

موضوع:

محبت به خدا

درس نهم

ناهید صابونچی

دبیر دین و زندگی

دبیرستان فرزانهگان شهرستان خوی

بارالها! خوب می دانم هر کس لذت دوستی ات را چشیده باشد، غیر تو را اختیار نکند
و آن کس با تو انس گیرد، لحظه ای از تو روی گردان نشود،
بارالها! ای آرمان دل مشتاقان و ای نهایت آرزوی عاشقان!
دوست داشتنت را از خودت خواهانم
به راستی دوستی با خدا چه آثاری دارد که پیشوایان دین و پیروان ایشان مشتاق آن
بوده اند؟ چگونه می توان دل را به این آذین آراست؟

نقش محبت

محبت و دوستی سرچشمه بسیاری از تصمیم ها و کارهای انسان است. فعالیت هایی که آدمی در طول زندگی انجام می دهد ریشه در دل بستگی ها و محبت های او دارد و همین محبت هاست که به زندگی آدمی جهت می دهد. **به هر میزان که محبت شدیدتر باشد، تأثیر آن نیز در زندگی عمیق تر و گسترده تر است؛** مثلاً کسی که دوستدار ثروت است، سمت و سوی همه کارهای خود را رسیدن به ثروت قرار می دهد. کسی که شیفته مد است، دل مشغولی شب و روز او دست یافتن به آخرین مدهاست و کسی که محبوب و معشوق خود را دانشمند یا هنرمندی قرار می دهد، ظاهر و حتی سبک زندگی خود را شبیه وی می سازد. پس

- بسیاری از تصمیمات و کارهای انسان از محبت سرچشمه میگیرد

- محبت به زندگی انسان جهت میدهد.

- هر چه محبت شدیدتر باشد (علت) تأثیرش در زندگی عمیق تر و گسترده تر خواهد بود (معلول)

چقدر می‌ارزیم؟!

عده ای از اندیشمندان برتر دنیا در یکی از کشورهای اروپایی جمع شده بودند تا دربارهٔ موضوع معیار ارزش واقعی انسان بحث و تبادل نظر کنند. دلیل انتخاب این بحث این بود که ما برای سنجش ارزش بسیاری از موجودات، معیار خاصی داریم؛ مثلاً معیار ارزش طلا به عیار آن است؛ معیار ارزش درخت میوه به کیفیت محصول آن و معیار ارزش مزرعه، میزان حاصلخیزی آن است؛ اما معیار ارزش انسان چیست؟!

هر کدام از جامعه شناسان در این باره حرف هایی زدند و معیارهای خاصی ارائه دادند. وقتی نوبت به من رسید، به جایگاه رفتم و گفتم: اگر می‌خواهید بدانید یک انسان چقدر ارزش دارد، ببینید به چه چیزی علاقه دارد و به چه چیزی عشق می‌ورزد. کسی که عشقش یک آپارتمان است، در واقع ارزشش به مقدار همان آپارتمان است. کسی که عشقش ماشین است، ارزشش به همان میزان است، اما کسی که عشقش خداوند متعال است، ارزشش به اندازه خداست. با تمام شدن حرفم تمامی جامعه شناسان حاضر در جلسه برای چند دقیقه بلند شدند و برایم دست زدند. وقتی تشویق آنها تمام شد، گفتم: عزیزان! این کلام من نبود. بلکه از شخصی به نام **علی(ع)** است. ایشان می‌فرماید:

ارزش هر انسانی به اندازه چیزی است که دوست می‌دارد.

وقتی این کلام را گفتم دوباره به نشانه احترام به شخصیت حضرت علی از جا بلند شدند و با تعجب نام ایشان را بر زبان جاری می‌کردند.

تا در هوس لقمه نانی ، نانی

تا در طلب گوهر کانی ، کانی

هر چیز که در جستن آنی ، آنی

این نکته ی رمز اگر بدانی ، بدانی

ارزش هر کس
به اندازه
چیزی است
که دوست
می‌دارد.

محبت به خدا

اگر انسان دل به سرچشمه. کمالات و زیبای یها سپارد، و قلب خود را جایگاه او کند، زندگی اش رنگ و بوی دیگری می یابد و هر میزان که ایمان انسان به خدا بیشتر شود، محبت وی نیز به خدا بیشتر می شود. عشق و محبت الهی افسردگی، ترس و یأس را از بین می برد و به انسان نشاط، شجاعت و قدرت می بخشد. محبت الهی تنبل را چالاک و زرنگ، بخیل را بخشنده، کم طاقت و ناشکیبا را صبور و شکیبا می کند و سرانجام آدمی را از خودخواهی به ایثار و از خودگذشتگی می رساند. عشق به خدا چون اکسیری است که مرده را حیات می بخشد و زندگی حقیقی را به وی عطا می کند. این همه تحول به این دلیل است که قلب انسان جایگاه خداست و جز با خدا آرام و قرار نمی یابد.

امام صادق می فرماید: **قلب انسان حرم خداست؛ در حرم خدا غیر خدا را جا ندهید.**

از همین رو، قرآن کریم یکی از ویژگی های مؤمنان را، دوستی و محبت شدید آنان نسبت به خدا می داند:

وَمِنَ النَّاسِ مَن يَتَّخِذُ مِنَ اللَّهِ آندَادًا يُحِبُّونَهُمْ كَحُبِّ اللَّهِ وَالَّذِينَ آمَنُوا أَشَدُّ حُبًّا لِلَّهِ

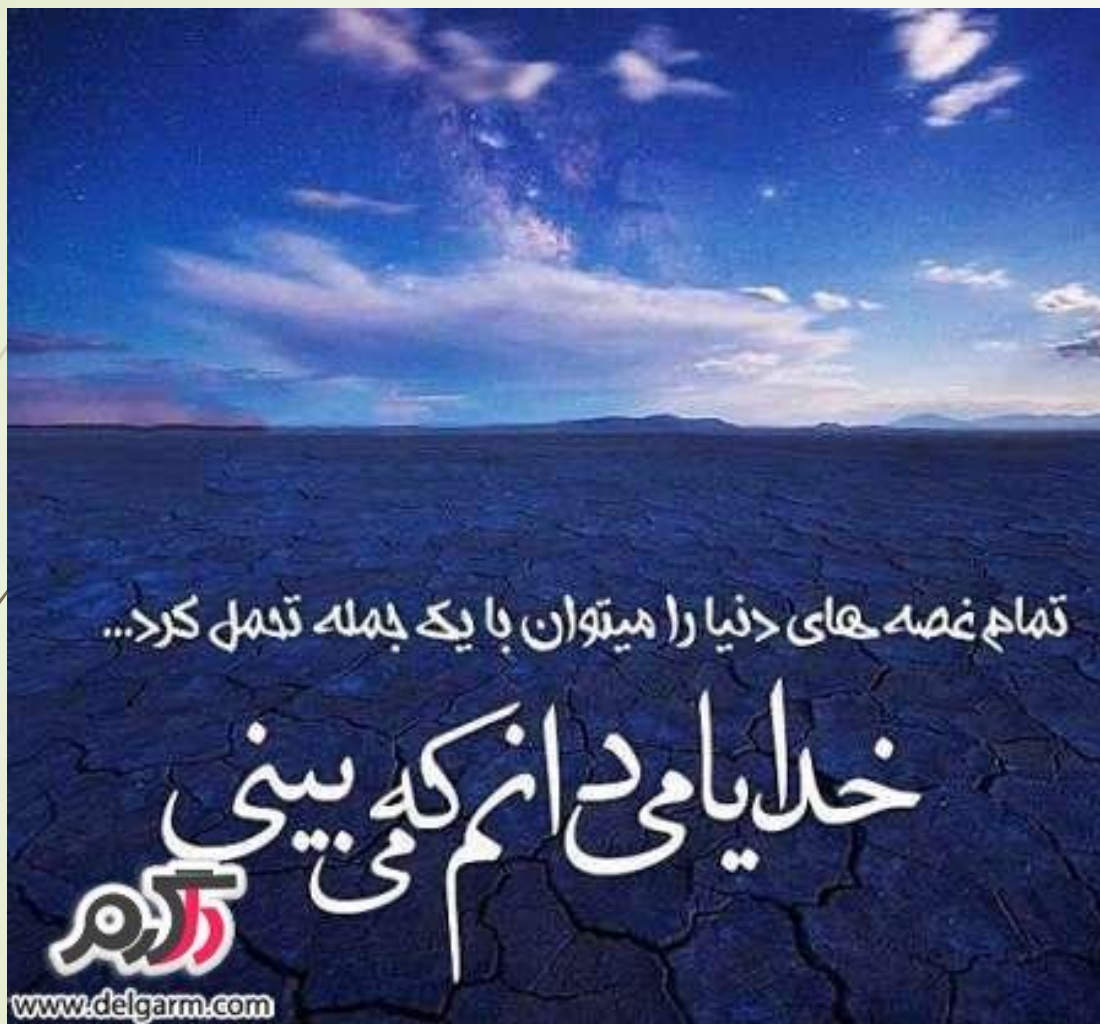
و بعضی از مردم همتایانی را به جای خدا می گیرند آنان را دوست می دارند مانند دوستی خدا اما کسانی که ایمان آورده اند به خدا محبت بیشتری دارند.

۱- عبارت «**یحبونهم كحب الله**»: شرک عملی

۲- از ویژگی های مومنان این است که به خدا محبت بیشتری دارند. «**اشد حبا لله**»

۳- عبارت «**اشد حبا لله**»: اصل تولی

۴- قرآن کریم اساس و پایه ی دین داری را محبت و عشق به خدا می داند.



راههای
افزایش
محبت به
خدا

راههای تقویت محبت به خدا

۱_ پیروی از خداوند: به میزانی که انسان به دستورات کسی احترام بگذارد و فرمان های او را انجام دهد، محبت و دل بستگی به او را در وجود خود بیشتر می کند؛ به خصوص وقتی که این دستورها از جانب خدا باشد که بهترین و مفیدترین راهنمایی ها را به انسان کرده است.

برخی می گویند: اگر قلب انسان با خدا باشد، کافی است و عمل به دستورات او ضرورتی ندارد، آنچه اهمیت دارد، درون و باطن انسان است، نه ظاهر او. اما این توجیه، با کلام خداوند سازگار نیست. خداوند، عمل به دستوراتش را که توسط پیامبر ارسال شده است، شرط اصلی دوستی با خدا اعلام می کند:

قُلْ إِنْ كُنْتُمْ تُحِبُّونَ اللَّهَ فَاتَّبِعُونِي يُحْبِبْكُمُ اللَّهُ وَيَغْفِرْ لَكُمْ ذُنُوبَكُمْ

بگو اگر خدا را دوست دارید از من پیروی کنید تا خدا دوستتان بدارد و گناهانتان را ببخشد. آل عمران، ۳۱

پیام آیه:

- ۱- دوستی انسان با خدا: پیروی از رسول: دوستی خدا با انسان: بخشش گناهان
- ۲- کسی که خدا را دوست دارد باید از پیامبر خدا پیروی کند.
- ۳- آیه بیانگر توحید عملی است
- ۴- ارتباط معنایی دارد با حدیث امام صادق (ع) با مضمون: «ما احب الله من عساه»
- ۵- ارتباط معنایی دارد با شعر منسوب به امام صادق (ع) با مضمون «خدا را نافرمانی کنی و اظهار دوستی با او نمایی؟»
- ۶- باینگر «پیروی از خداوند» از آثار محبت به خداست.

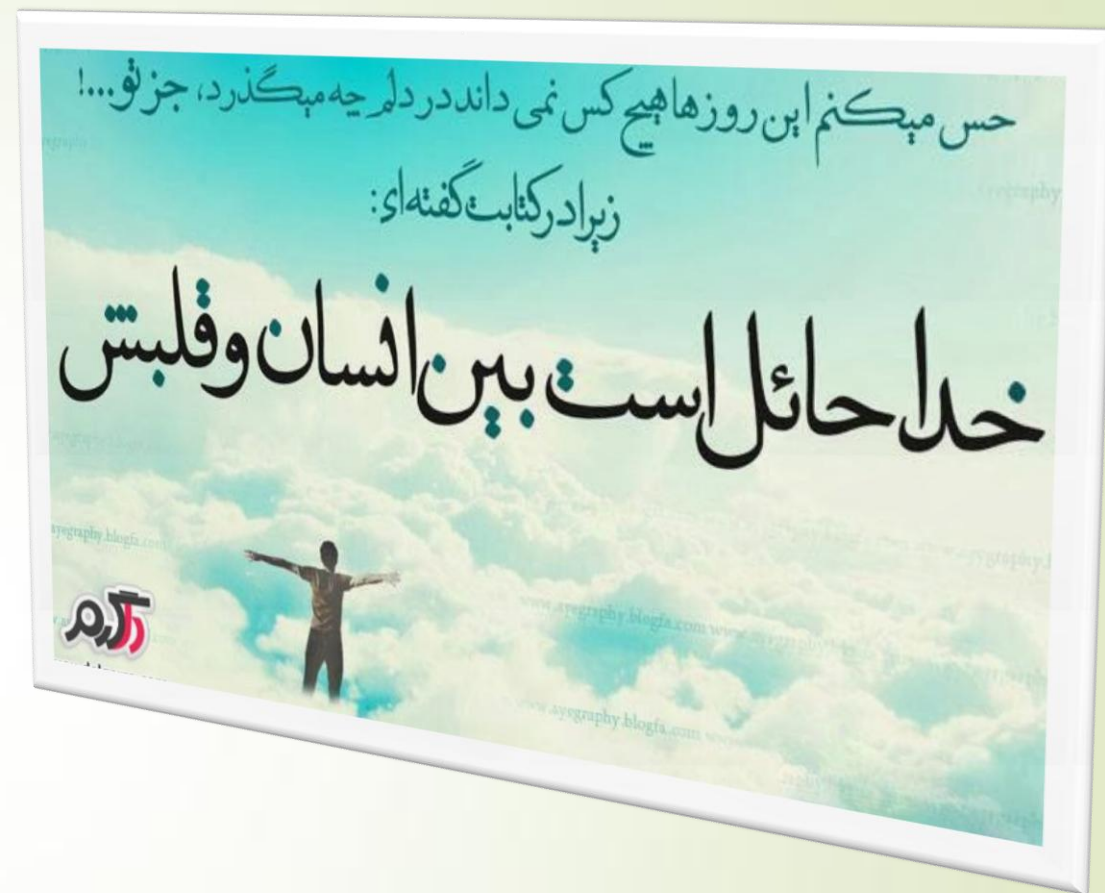
امام صادق فرمودند: **ما احب الله من عساه**

کسی که از فرمان خدا سرپیچی می کند، او را دوست ندارد.

خداوند در خواسته هایش فقط و فقط به مصلحت ما نظر دارد. او خیرخواهانه به ما هشدار م دهد و ما را به کارهایی که به نفع ماست، راهنمایی می کند. حتی اگر احساس کنیم برخی خواسته های خداوند سخت است، باید مطمئن باشیم که این دستور برای رستگاری ما ضروری است.

۲- دوستی با دوستان خدا:

اگر می خواهیم محبت خداوند در دلمان خانه کند، باید محبت کسانی را که رنگ و نشانی از او دارند و خداوند محبت و دوستی آنان را به ما توصیه کرده، در دل جای دهیم و هر میزان که این علاقه بیشتر و قویتر باشد، محبت ما نیز به خدا فزونتر می شود. انبیا و اولیای الهی و مجاهدان راه حق و آنان که در مسیر بندگی خدا حرکت کردند، دوستان خداوند هستند و برترین این دوستان، رسول خدا و اهل بیت ایشان می باشند که با تمام وجود به خدا عشق ورزیدند و زندگی خود را در اطاعت کامل خداوند سپری کردند. دوستی با آنان، همان دوستی با خداوند و محبت به آنان در مسیر محبت به خداوند است.





۳_ بیزاری از دشمنان خدا و مبارزه با آنان:

عاشق روشنایی، از تاریکی می گریزد و آن کس که به دوستی با خدا افتخار می کند، با هرچه ضد خداست، مقابله می نماید. او دوستدار حق و دشمن باطل است. عاشقان خدا پرچمدار مبارزه با ستم و ستمگران بود هاند. همه پیامبران، از حضرت نوح و حضرت ابراهیم تا پیامبر اسلام زندگی خود را در مبارزه با ستم و پلیدی گذراندند و پرچم مبارزه را از نسلی به نسل بعد منتقل کردند. نمی شود کسی دوستدار خداوند باشد؛ اما زشتی و ستم را در جامعه ببیند و سکوت اختیار کند.

از این رو جهاد در راه خدا در برنامه تمام پیامبران الهی بوده و بیشتر آنان در حال مبارزه با ستمگران به شهادت رسیده اند. امروزه نیز مشاهده می کنیم که مستکبران و ستمگران برای رسیدن به منافع دنیایی خود، حقوق ملت ها را زیر پا می گذارند و آنان را از حقوقشان محروم می کنند. رنج و محرومیت مردم فلسطین، یمن، سوریه، عراق، بحرین و... نمونه آشکاری از رفتار مستکبران است که جز با مبارزه، برطرف نخواهد شد.

در نتیجه، دینداری، با دوستی خدا آغاز می شود و برائت و بیزاری از دشمنان خدا را به دنبال می آورد. اگر کسی بخواهد قلبش را خانه خدا کند، باید شیطان و امور شیطانی را از آن بیرون کند. جمله **لا اله الا الله** که پایه و اساس بنای اسلام است، مرکب از یک نه و یک آری : است نه به هرچه غیرخدایی است و به خدای یگانه.

پس دینداری بر دو پایه استوار است:

توئی (دوستی با خدا و دوستان او) و تبری (بیزاری از باطل و پیروان او).

هرچه دوستی با خدا عمیقتر باشد، نفرت از باطل هم عمیق تر است.

امام خمینی (ره) بر مبنای همین تحلیل، به مسلمانان جهان این گونه سفارش می کند:

باید مسلمانان، فضای سراسر عالم را از محبت و عشق نسبت به ذات حق و نفرت و بغض عملی نسبت به دشمنان خدا لبریز کنند



ناهید صابونچی

دبیر دبیرستان فرزندگان خوی